

فاصله در مجمع البیان و بازشناسی گونه‌های پیوند معنایی آن با آیات

علی اصغر آخوندی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۳۰

چکیده

فاصله پدیده‌ای قرآنی است که نقش مهمی در زیبایی، نظم بخشی و انسجام آیات دارد و لازم است از جهات گوناگون مورد توجه و بررسی قرار گیرد. از جمله منابع مهم برای بررسی این پدیده، تفاسیر است. به دلیل اهمیت تفسیر «مجمع البیان» موضوع فاصله و چگونگی نگرش امین‌الاسلام طبرسی به این مطلب موضوع این مقاله قرار گرفت. در زمینه فاصله، عنوان‌هایی مانند کارکردها و نقش‌های تفسیری، انواع و چگونگی روابط فاصله به‌ویژه گونه‌های پیوند معنایی آن با محتوای آیه از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. از کارکردهای تفسیری فاصله در «مجمع البیان» باید به تقویت و تأیید احتمالات تفسیری، دفع توهم، شبهه و ابهام از آیه و برداشت حکم اشاره کرد. و در ارتباط و پیوند معنایی فاصله با محتوای آیه نیز می‌توان دوازده گونه پیوند معنایی را در این تفسیر بازشناسی کرد که در کم‌تر تفسیری این مسأله مورد توجه قرار گرفته است. در بحث ارتباط فاصله و محتوا در برخی آیات چالش‌هایی وجود دارد که توجیحات طبرسی برای خروج از آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

کلیدواژگان: فاصله قرآنی، کارکردهای تفسیری، ارتباط معنایی، روابط فواصل، چالش‌های فواصل.

مقدمه

فاصله در قرآن، باعث امتیاز و جدا شدن آن از نثر و شعر می‌شود و نحوه‌ای از کلام به وجود می‌آورد که منحصر به فرد و غیر قابل تقلید است. گفته شده است کلام عربی قبل از نزول قرآن به دو نوع نظم و نثر تقسیم می‌شده است اما بعد از نزول قرآن کلام عربی به سه قسمت تقسیم شد: شعر، نثر و قرآن (کواز، ۱۴۲۶ق: ۳۱۴).

قطعاً یکی از عواملی که در خارج شدن کلام قرآن از عادت مألوف و شناخته شده عرب نقش اساسی دارد پدیده فاصله است. پس باید نقش این عامل را بسیار بزرگ دانست و از اهمیت والای آن در قرآن سخن گفت.

اهمیت این پدیده به اندازه‌ای است که گروه‌های زیادی از جمله علمای کلام، لغت، ادب و خصوصاً علم نحو، بلاغت و مفسران و دانشمندان علوم قرآنی درباره آن سخن گفته‌اند (حسنای، ۱۴۰۶ق: ۴۳).

بنابراین فاصله، از پدیده‌های منحصر به فرد قرآنی بوده و از جنبه ظاهری و لفظی نقش مهمی در همبستگی و انسجام آیات دارد، همان‌گونه که نقش آن از جنبه معنایی و دلالی به دلیل همبسته و تأثیرش بر محتوای آیه قابل انکار نیست. به دلیل همین جایگاه، بررسی جنبه‌های مختلف آن از اهمیت زیادی برخوردار است.

در بررسی ابعاد و زوایای این پدیده قرآنی، موضوعات و پرسش‌های گوناگونی جلب توجه می‌کند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- نقش و کارکرد فاصله در تفسیر محتوای آیه چیست؟

۲- فواصل قرآنی چه روابطی با یکدیگر دارند؟

۳- مهم‌ترین گونه‌های پیوند معنایی فاصله با محتوای آیات کدام‌اند؟

۴- مفسران چگونه به فاصله و موضوعات مختلف آن پرداخته‌اند؟

یکی از منابع مهم برای پاسخ به این گونه پرسش‌ها تفاسیر است. به همین دلیل و با توجه به اهمیت موضوع به سراغ یکی از مهم‌ترین تفاسیر شیعه یعنی «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» نگاشته / امین / الاسلام فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ق) رفتیم تا دیدگاه ایشان را در این باره جویا گردیده و به سؤالات فوق پاسخ گوئیم. در ابتدا ضمن تعریف فاصله، کلیاتی درباره آن تقدیم و آن‌گاه در پاسخ به پرسش‌های فوق، به کارکردهای

تفسیری فاصله و روابط و گونه‌های پیوند معنایی آن در «مجمع البیان» خواهیم پرداخت. مقاله به روش توصیفی - تحلیلی به موضوع پرداخته است.

پیشینه و فرضیه

گرچه تحقیق و پژوهش درباره جهات مختلف فاصله آیات و به خصوص کارکردها، روابط و گونه‌های پیوند معنایی از اهمیت و زیبایی خاصی برخوردار است، اما تا کنون به آن توجه نشده است و کم‌تر پژوهش، کتاب و مقاله‌ای در این زمینه می‌توان یافت. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته پژوهش یا مقاله‌ای که به موضوع فواصل در یکی از تفاسیر شیعه و سنی پرداخته باشد یافت نگردید و به همین دلیل می‌توان موضوع این مقاله در مراجعه به تفسیر «مجمع البیان» نوعی نوآوری به حساب آورد. از آنجا که «مجمع البیان» تفسیری جامع بوده و در فنون مختلف علوم قرآنی و تفسیری نکات مهمی را بیان نموده و از جهتی نیز منبعی قابل اتکاء برای مفسران بعدی به شمار آمده است، در زمینه مسائل مربوط به پایان آیات و فاصله نیز نکات قابل استفاده فراوانی دارد که از آن جمله می‌توان به کارکردهای تفسیری و روابط مختلف فواصل و به ویژه گونه‌های پیوند معنایی آن با محتوای آیه اشاره کرد.

تعریف فاصله

لازم است قبل از ورود به بحث اصلی تعریفی از فاصله و کلیاتی درباره آن ارائه گردد: کلمه فاصله اسم فاعل از ریشه «فصل» به معنای جداکننده بین دو چیز است که باعث تمییز و آشکار شدن آن‌ها می‌گردد (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷: ۱۲۶؛ ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۴: ۵۰۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق، ج ۱: ۴۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۵۲۱).

در معنای اصطلاحی فاصله تعاریف زیادی وجود دارد. برخی آن را حروف همگون پایان آیات دانسته‌اند که باعث فهم بهتر معنا می‌شود (رمانی، ۱۳۸۷ق: ۹۷؛ باقلانی، ۱۹۹۷م: ۶۱)، برخی دیگر به اواخر آیات فاصله گفته‌اند (راغب اصفهانی، بی تا: ۳۹۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۵۲۴؛ ابن خلدون، بی تا، ج ۱: ۷۸۱)، بی آنکه مشخص سازند

منظور حرف، واژه یا جمله آخر آیه است. زرکشی و سیوطی فاصله را کلمه آخر آیه مانند قافیه در شعر و سجع در نثر معرفی می‌کنند (زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۴۹؛ سیوطی، بی تا، ج ۲: ۲۶۶). همچنین گفته شده: «فاصله توافق حروف پایانی آیات در حروف روی یا وزن است» (حسنای، ۱۴۰۶ق: ۲۹). این تعاریف گرچه در نوع خود صحیح است اما جامع و مانع نیست. از این رو بر این باوریم که می‌توان تعریفی دقیق‌تر ارائه کرد: «فاصله دارای دو جنبه صوتی و دلالتی است. از جنبه صوتی، فاصله، حروف و کلمه پایانی آیه است که به آیات یک سوره نظم و آهنگی خاص می‌بخشد؛ و از جنبه دلالتی، عبارت و جمله پایانی و مستقل برخی آیات است که دارای اهدافی خاص بوده و با مفاد و محتوای آیه خود ارتباط معنایی وثیقی دارد». آنچه در این پژوهش مورد توجه است جنبه دلالتی و محتوایی فاصله است.

وجه نامگذاری

پایان آیات را بدان دلیل فاصله نامیده‌اند که میان دو کلام فاصله و جدایی ایجاد و آیه را از ما بعدش جدا می‌کند. به دلیل شرافت و عظمت قرآن سعی بر انتخاب اصطلاحی بوده است که بین مردم رایج نبوده و در نثر و نظم عربی نیز استعمال نمی‌شده است. به همین جهت از اصطلاحات رایجی مانند «قافیه» و «سجع» استفاده نشده و به جای آن عنوان «فاصله» به کار رفته است. گویا دانشمندان اسلامی این اصطلاح را از قول خدای تعالی ﴿كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ﴾ (هود/۱) و ﴿كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ﴾ (فصلت/۳) اقتباس کرده‌اند (ر.ک: زرکشی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۱۵۴؛ سیوطی، بی تا، ج ۲: ۲۶۸؛ ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۲۵؛ لاشین، ۱۴۰۲ق: ۶؛ حبیبی، بی تا: ۹۹؛ یاسوف، ۱۴۲۷ق: ۴۶۰؛ ۱۳۸۸ش: ۳۳۳؛ مکی، ۱۴۲۷ق، ج ۳: ۴۹۷؛ موسی، ۱۴۱۷ق: ۵۷۴).

توافق و هماهنگی فواصل

یکی از موضوعات مهم، هم‌آهنگی و هم‌وزنی پایان آیات است که به توافق فواصل معروف است. این امر علاوه بر این که از جنبه لفظی باعث زیبایی، نظم‌بخشی و انسجام آیات یک سوره است، از نظر صوتی و موسیقایی نیز اهمیت داشته و در ترتیل و ترنم

آیات نقش اساسی دارد. این موضوع نزد عالمان قرآنی از جایگاه شایسته‌ای برخوردار است تا جایی که برخی از مفسران از جمله طبرسی آن را از عوامل تأثیرگذار در اعجاز قرآن می‌دانند و در کنار عواملی چون فصاحت، نیکویی در معنا، گوارایی و هماهنگی الفاظ، به هم شکلی و توافق مقاطع و فواصل نیز اشاره می‌کنند (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ج ۱۰: ۸۳۸). همچنین ایشان تشاکل در مقاطع و فواصل را یکی از دلایل «احسن القصص» بودن قرآن برشمرده است (همان، ۵ج: ۳۱۷).

هماهنگی و توافق فواصل به قدری از اهمیت برخوردار است که برخی از عالمان و مفسران از جمله ابن صائغ (ر.ک: سیوطی، بی تا، ج ۲: ۲۷۲-۲۷۸؛ ۱۴۰۸، ج ۱: ۲۶-۳۱؛ خضر، ۱۴۳۰ق: ۹۸-۱۳۳) تمام تغییرات قاموسی، نحوی و ساختاری پایان آیات را در راستای توافق فواصل ارزیابی نموده‌اند. البته در مقابل نیز برخی برای همه آن‌ها توجیه معنایی و محتوایی جست‌وجو می‌کنند. بعضی دیگر نیز بر این باورند که قرآن هر دو جنبه را با هم حفظ کرده است. یعنی این تغییرات برای رعایت توافق و تناسب فرجام آیات ایجاد شده، اما در کنار آن نکات معنایی و محتوایی دقیقی قابل دستیابی است.

از جمله این تغییرات می‌توان به افزایش حرف «الف» در ﴿وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا﴾ (الاحزاب/ ۱۰) حرف «هاء» در آیات ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَذَا مَا أقرُّوْا كِتَابِيهِ ۗ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيهِ﴾ (الحاقة/ ۱۹-۲۰) و ﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ﴾ (القارعة/ ۱۰) اشاره کرد. همچنین استعمال واژه‌های مفرد «عضد» و «نهر» به جای «اعضاد» و «انهار» در آیات ﴿وَمَا كُنْتَ تُتَّخَذُ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾ (الکهف/ ۵۱) و ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ﴾ (القمر/ ۵۴) و مفرد به کار رفتن فعل «فَتَشَقَّى» در آیه ﴿فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشَقَّى﴾ (طه/ ۱۱۷) که خطاب به آدم و حوا است از همین قبیل است.

روابط فواصل

یکی از موضوعات مهم در زمینه مباحث فرجام آیات، بررسی روابط گوناگون فواصل با یکدیگر و محتوای آیات است. برخی ادعا کرده‌اند که فواصل تنها به دلیل هم‌وزنی و هماهنگی پایان آیات آمده و هیچ‌گونه ارتباطی با ماقبل خود یا با فواصل دیگر ندارد (عباس، ۱۹۹۱م: ۲۲۲). برای مسلمان معتقد به خدای حکیم چنین ادعایی به هیچ

عنوان پذیرفته نیست، اما در مقام عمل با بررسی ارتباط فواصل از جهات لفظی و معنایی با محتوای آیه و همچنین روابط فواصل با یکدیگر در آیاتی که محتوای یکسان و فواصل متفاوت، یا محتوای متفاوت و فواصل متحد دارند و یا رابطه فواصل آیات یک سوره با موضوع و محور اصلی سوره می‌توان اثبات نمود که فواصل در پیوند و ارتباط ناگسستنی (با آیات و یکدیگر) هستند تا جایی که حتی از آن‌ها در تفسیر محتوای آیات نیز می‌توان استفاده کرد. هر کدام از موضوعات فوق را در تفاسیر می‌توان پیگیری و درباره آن تحقیق کرد، اما آنچه اکنون از اهمیت بیش‌تری برای ما برخوردار است موضوع اخیر است که در تفسیر «مجمع البیان» مورد پژوهش قرار گرفته است.

فاصله در مجمع البیان

پس از بیان کلیاتی از فواصل، اکنون به سؤالات اصلی این پژوهش که درباره کارکردها و نقش‌های تفسیری فرجام آیات و انواع و اقسام روابط آن‌هاست می‌پردازیم. این قسمت را در سه بخش کلی پی می‌گیریم:

۱. کارکردهای تفسیری فاصله

فاصله به دلیل جایگاه و اهمیتش در آیه، کارکردهای زیادی در تفسیر دارد. برخی از مفسران به این مطلب بیش‌تر و بعضی نیز کم‌تر توجه کرده‌اند. مشخص است تفسیر گروه اخیر، در مقایسه با تفسیر باورمندان به فاصله و نقش و کارکردهایش از کارایی کم‌تری برخوردار است. فاصله گاهی برای دفع شبهات و ابهامات، زمانی برای نقد و در مواردی نیز برای تأیید دیدگاه‌ها و احتمالات تفسیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. افزون بر این کارکردهای دیگری نیز دارد که در جای خود بیان خواهد شد. اکنون بنگریم این پدیده قرآنی چه نقشی در تفسیر «مجمع البیان» ایفا کرده است:

الف: تقویت و تأیید احتمالات و دیدگاه‌های تفسیری

از فاصله به دلیل جایگاهش در آیه می‌توان برای تقویت یا تأیید دیدگاه‌ها و یا احتمالاتی که درباره آیه مطرح است استفاده کرد. مواردی از این کارکرد در «مجمع

البیان» نیز یافت می‌شود: طبرسی در تفسیر آیه ﴿يَكَادُالْبُرْقُ يَخْطُفُ أَبْصَارَهُمْ كَلِمَاتٌ لَهُمْ مَشْرُوفٌ فِيهِ وَإِذَا أُنْظِرَهُ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (البقرة/ ۲۰) بحثی را در پاسخ به این پرسش که آیا «شیء» فقط بر موجود اطلاق می‌شود یا برای معدوم نیز به کار می‌رود؟ مطرح و دو دیدگاه در این زمینه بیان می‌کند. آن‌گاه خود دیدگاه اول که همان اعتقاد متکلمان و محققان است، یعنی اطلاق بر موجود و معدوم را پسندیده و بیان می‌دارد که فرموده خدای تعالی ﴿أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ آن را تأیید می‌کند (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ج ۱: ۱۵۱-۱۵۲).

در تفسیر آیه ﴿مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (البقرة/ ۱۰۶) نیز در پاسخ به این پرسش که آیا قرآن با سنت مقطوع نسخ می‌شود یا خیر؟ ابتدا دیدگاه باورمندان به عدم نسخ قرآن با سنت مقطوع را بیان کرده و سپس دیدگاه خود را که نسخ قرآن با سنت معلوم و قطعی است با جمله پایانی آیه تأیید و تقویت می‌کند (همان، ج ۱: ۳۴۹).

در تفسیر آیه ۱۱۶ سوره مائده نیز، برای تقویت دیدگاهی که درباره نفس مطرح شده از جمله پایانی آیه استفاده شده است (همان، ج ۳: ۴۱۵).

ب: دفع توهم، شبهه و ابهام از آیه

از دیگر کارکردهای مهم فاصله آن است که می‌تواند توهم، شبهه یا ابهامی را که ممکن است درباره متن آیه پدیدار شود زایل و از ساحت آن دور کند. در این زمینه می‌توان به ﴿وَسَجَزَى الشَّاكِرِينَ﴾ در پایان آیه ۱۴۵ سوره آل عمران اشاره کرد. از دیدگاه طبرسی این جمله توهم حرام بودن نعمت‌های دنیوی که به کافر داده شده را برای شاکر از بین می‌برد (همان، ج ۲: ۸۵۲).

ج: برداشت حکم از آیه با استفاده از فاصله (منشأ حکم)

هر جمله از آیات قرآن معنای مخصوص به خود دارد، اما همان جمله در کنار جمله یا جملات دیگر معنای جدیدی نیز افاده می‌کند و در برداشت از جملات دیگر نیز تأثیرگذار است. به عبارتی هر جمله از قرآن در کنار جملات دیگر می‌تواند نوع بینش

مفسر را عوض کند. از جملاتی که در این خصوص نقشی تعیین کننده دارد جمله پایانی آیه است. توجه به فرجام آیه می‌تواند معنای کل آیه را تحت تأثیر خود قرار دهد و چه بسا مفهوم جدیدی را برای آیه به ارمغان آورد. به همین دلیل فاصله می‌تواند باعث تعلیل یا تثبیت حکم برداشت شده از آیه گشته و خود نیز منشأ برداشت حکم دیگری گردد.

این کارکرد در تفسیر آیه ﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَسْتَلُونَ مِنْكُمْ لَوْ آذَأْتُمْ بِالَّذِينَ يَخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (النور/۶۳) دیده می‌شود، آنجا که طبرسی می‌نویسد: «از جمله آخر می‌توان نتیجه گرفت که اطاعت از دستورات رسول خدا واجب است چراکه اگر چنین نبود خدای سبحان از مخالفت با آن بر حذر نمی‌داشت» (همان، ج ۷: ۲۴۹). ملاحظه می‌شود با توجه به فاصله آیه، حکم جدید (وجوب عمل به دستورات رسول خدا) از آیه به دست آمد که در صورت عدم وجود این فاصله، برداشت این حکم از آیه میسر نبود.

۲. روابط فاصله

فاصله آیه از روابط متعددی برخوردار است که از آن جمله می‌توان به ارتباط با محتوای آیه، دیگر فواصل، سوره و سیاق و آیه بعد اشاره کرد. برخی از این روابط در «مجمع البیان» نیز قابل مشاهده است:

الف: ارتباط فواصل یک سوره

در برخی سوره‌ها آیاتی کنار یکدیگر واقع شده‌اند که از نظر محتوا و مضمون و همچنین فواصل نزدیک به هم هستند. توجه و دقت در این فواصل و انتخاب آن‌ها برای محتوای خاص هر آیه حایز اهمیت بوده و نکات جالب و زیبایی به دست خواهد داد که از آن جمله تناسب و اعجاز بیانی آیه است. به آیات ذیل دقت فرمایید:

﴿لَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَاتِهِمْ تَرْبُصٌ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَآؤُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (النور/۲۲۶-۲۲۷)

این دو آیه که درباره موضوعات خانوادگی از جمله سوگند شوهر برای دوری از همسرش و طلاق گفت‌وگو می‌کند با «عَفُورٌ رَّحِيمٌ» و «سَمِيعٌ عَلِيمٌ» خاتمه یافته‌اند. انتخاب این صفات برای هر کدام از آیات دارای حکمت خاصی است که نمی‌توان آن‌ها را با یکدیگر جابه‌جا نمود. طبرسی در این باره نوشته است: «در پایان آیه اول «فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ» ذکر شد، زیرا آن‌گاه که سوگند خورنده را به بازگشت یا طلاق ملزم کرد، فرمود اگر بازگردد «پس خداوند آمرزنده مهربان است». یعنی بازگشت او را قبول می‌کند و او را به آنچه مرتکب شده عقاب نمی‌کند. اما در آیه دوم به علت این که از وقوع طلاق که از اموری شنیدنی است خبر داد فرمود: «فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». یعنی بر او مخفی نمی‌ماند و قطعاً او آن را می‌شنود، زیرا او بر صفتی است که ادراک آن را برای او ضروری می‌کند و همچنین او به بیان آن عالم و داناست. بنابراین نه آنچه در آیه اول ذکر شد برای آیه دوم شایستگی دارد و نه آنچه در آیه دوم آمده شایسته آیه اول است. و این امر از عظمت فصاحت قرآن و جلالت جایگاه آن است» (همان، ج ۲: ۵۷۱).

﴿قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ﴾ (البقرة / ۲۶۳)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ (البقرة / ۲۶۷)

این دو آیه نیز با فاصله چهار آیه از یکدیگر در سوره بقره واقع و با صفات حسناى الهی ختم شده‌اند. «غنی» در هر دو آیه مشترک و «حلیم» و «حمید» متفاوت است. می‌توان از ارتباط و حکمت این صفات در پایان آیات سؤال نمود که چرا در آیه اول از «غَنِيٌّ حَلِيمٌ» و در دومی از «غَنِيٌّ حَمِيدٌ» استفاده شده است؟

طبرسی در پاسخ این پرسش می‌نویسد: «خداوند از صدقات و طاعات شما بی‌نیاز بوده و شما را به دلیل نیازش، به آن‌ها و چیزی دیگر امر نکرده است؛ بلکه به دلیل نیاز شما به ثواب، به پرداخت آن‌ها امر و شما را به آن فراخواند. «حلیم» است که در عقوبت شما عجله نمی‌کند و گفته شده در عقوبت کسی که اهل منت و اذیت در صدقه است تعجیل نمی‌کند. اگر در اینجا به جای «حلیم»، «حمید» یا «علیم» قرار می‌گرفت نیکو نبود (همان، ج ۲: ۲۴۸). و در تفسیر آیه دوم نیز نوشته است: «از صدقات شما بی‌نیاز بوده و «حمید» است یعنی برای نعمت‌هایش مستحق حمد و ستایش است. برای

نعمت‌هایی که به خلقش داده باید او را حمد کرد. و گفته شده آن به معنی حامد است یعنی علی رغم بی‌نیازی‌اش از شما و صدقاتتان آن را می‌پذیرد و به خاطر آن شما را ستایش می‌کند. «حمید» در این جایگاه از «حلیم» شایسته‌تر است همان‌گونه که «حلیم» در آیه قبلی از «حمید» بهتر بود، زیرا خدای سبحان آن گاه که به انفاق از کسب‌های پاکیزه امر کرد، روشن ساخت که او از آن بی‌نیاز است و انجام دهنده آنچه را بدان امر کرده حمد می‌گوید و بر آن پاداش می‌دهد» (همان، ج ۲: ۲۵۷).

در این آیه در ضمن توضیح کافی برای هر کدام از صفات، هم به بیان ارتباط آن‌ها با ماقبل و هم به رابطه دو فاصله نیز اشاره شده است.

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿۱۴۴﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَاباً مُؤَجَّلاً وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ﴿۱۴۵﴾﴾ (آل عمران / ۱۴۴-۱۴۵)

این دو آیه نیز در سوره آل عمران با فاصله مشترک ختم شده‌اند. دلیل تکرار فاصله تأکید و آگاهی بر منزلت بالای شاکران و استقرار بهتر معنا در نفس است. منظور از «شاکرین» در «وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ» سپاسگزاران رزق و روزی دنیوی هستند (همان، ج ۲: ۸۵۲). به این ترتیب می‌توان گفت که شاکرین در آیه اول سپاسگزاران نعمت معنوی دین، پیامبر و ولایت و در آیه دوم سپاسگزاران نعمت‌های دنیوی هستند.

﴿قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذِنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرٌ كَمَا الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا قُطْعَانَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَا صَلْبَيْنِكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَاباً وَأَبْقَى ﴿طه/ ۷۱﴾﴾
 ﴿إِنَّا أَمْنَا بِرَبِّنَا لِيُعْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿طه/ ۷۳﴾﴾

این دو آیه از سوره طه که درباره تهدید ساحران بعد از ایمان به حضرت موسی و پاسخ آنان است با فاصله یک آیه از یک دیگر آمده و هر دو نیز با واژه‌ای یکسان ختم شده‌اند. طبرسی جمله «وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» را پاسخ جمله «أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَاباً وَأَبْقَى» می‌داند (همان، ج ۷: ۳۵). در این زمینه همچنین به فرجام آیات ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۶۳ و ۱۸۰ سوره آل عمران (همان، ج ۲: ۸۶۷؛ ۸۷۵؛ ۸۹۷)، ۴۳ تا ۴۷ سوره مائده (همان، ج ۳: ۳۰۹، ۳۱۱) و ۹۶ و ۹۷ سوره نحل (همان، ج ۶: ۵۹۳) می‌توان اشاره کرد.

ب: ارتباط فاصله با آیه بعد

فواصل ممکن است از نظر نحوی یا معنایی با آیه بعد در ارتباط باشد. گاهی فاصله زمینه‌ساز آیه بعد و گاهی نیز آیات بعد شرح و تفسیر فاصله هستند. به عنوان نمونه به آیات ذیل می‌توان اشاره کرد:

﴿يَكَادُالْبَرْقُ يَخْطِفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ

لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (البقرة/ ۲۰)

تفسیر جمله «وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ» در پایان آیه قبل است (همان، ج ۱: ۱۵۲).

تهدید مجمل فرعون در پایان آیه «قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرَتُمْؤُهُ فِي الْمَدِينَةِ لَتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» (الاعراف/ ۱۲۳)، در آیه «لَا قَطْعَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ» (الاعراف/ ۱۲۴) تفصیل داده شده است (همان، ج ۴: ۷۱۵).

آیه «جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَيَنْتَسِرُونَ فِيهَا» (ابراهیم/ ۲۸)، تفسیر «ذَارَ الْبُؤَارِ» در پایان آیه «الْمَوْتَرِ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُؤَارِ» (ابراهیم/ ۲۹) است. یعنی آن خانه، همان جهنمی است که در آن وارد می‌شوند و بد جایگاهی است برای کسی که جایگاهش آتش است (همان، ج ۶: ۴۸۳).

توضیح «لَا يَسْتَوُونَ» در پایان آیه «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ» (السجدة/ ۱۸)، با عدم تساوی جایگاه مؤمن و فاسق در آیات بعد آمده است (همان، ج ۸: ۵۱۹).

ج: ارتباط فاصله با محتوای آیه

از ویژگی‌های کلام حکیم آن است که اجزاء کلام با یکدیگر در ارتباط‌اند. به همین دلیل نباید جملات یک آیه از نظر معنا از یک دیگر گسسته و بی ارتباط با هم باشند. در این میان نقش جمله پایانی ویژه و منحصر به فرد است و نمی‌توان گسست معنایی آن را با ماقبل تصور کرد. از این رو یکی از موضوعات اساسی در بحث فواصل، تناسب و پیوند معنایی فاصله با محتوای آیه است. یکی از فرق‌های اساسی که میان فاصله و سجع

برشمرده‌اند آن است که در سجع هدف اصلی توافق و تناسب مقاطع است و معنا از لفظ پیروی می‌کند اما در فواصل قرآنی الفاظ در خدمت و پیرو معانی هستند (رمانی، ۱۳۸۷ق: ۹۷-۹۸؛ باقلانی، ۱۹۹۷م: ۵۹؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۰۵؛ ابوزهره، بی تا: ۲۶۷). به همین جهت فواصل هم به لحاظ لفظی و موسیقایی تناسب و هماهنگی داشته و هم از نظر معنایی و محتوایی دارای تناسب عمیق و وثیقی با محتوا و مضمون آیه است.

در تفسیر «مجمع البیان» تا حدودی به این نوع رابطه توجه شده و جملات پایانی بسیاری از آیات، با توجه به محتوا و مضمون قبلی معنا و تفسیر گردیده است. در مواقعی با عبارت «وجه اتصال» یا مانند آن و در بیش تر مواقع نیز بدون استفاده از این عبارات حق مطلب ادا شده است. آیاتی که با اسماء و صفات حضرت حق خاتمه می‌یابند نیز بیش تر مورد توجه مفسر قرار گرفته‌اند.

برای نمونه می‌توان از تفسیر آیه ﴿وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (هود/۴۱) سخن گفت که طبرسی با به کارگیری عبارت «وجه اتصال» به ارتباط جمله «إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» اشاره کرده و می‌نویسد: «هذا حکایت عما قال نوح لقومه ووجه اتصاله بما قبله انه لما ذكرت النجاة بالركوب في السفينة ذكرت النعمة بالمغفرة والرحمة لتجتلبا بالطاعة كما اجتلبت النجاة بركوب السفينة» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۵: ۲۴۸). همچنین آیات ۱۲۹ سوره بقره (همان، ج ۱: ۳۹۵)، ۲۵، ۳۴ و ۳۶ سوره نساء (همان، ج ۳: ۵۶، ۶۹، ۷۲-۷۳) و ۲۹ سوره اعراف (همان، ج ۴: ۶۳۵) با ذکر عبارات «وجه اتصال»، «لاتصال»، «فائده»، «فائده ذکره» و «ذکرها» ارتباط و پیوند معنایی فرجام آیه با مضمون و محتوای آن روشن گردیده است.

بر عکس موارد فوق که تعداد آن‌ها نیز محدود است در موارد بیش تری مفسر، ارتباط فاصله و محتوا را بدون هیچ‌گونه عبارت و واژه‌ای بیان می‌کند. در این زمینه می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد:

﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَأَنَّمَا آئِمَّةٌ عَلَى الَّذِينَ يُدَلُّونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

«ای سمیع لما قاله الموصی من العدل او الجنف، علیم بما یفعله الوصی من التصحیح او التبديل وقيل سمیع لوصایا کم علیم بنیاتکم» (همان، ج ۱: ۴۸۴).

﴿لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِيماً﴾ (النساء/ ۱۴۰)
«وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً» لما يجهر به من سوء القول «عَلِيماً» بصدق الصادق وكذب الكاذب
فيجازى كلا بعلمه» (همان، ۳: ۲۰۲). ملاحظه می‌شود دو صفت «سمیع» و «علیم» با
توجه به محتوای دو آیه تفسیر شده است. این مقایسه به خوبی نشان می‌دهد که
طبرسی به ارتباط صفات پایانی آیات با محتوا و مضمون آیه توجه داشته است. آیاتی که
با صفات دیگر از جمله «غفور» و «رحیم» نیز پایان یافته‌اند همین گونه است. البته
موارد بسیاری نیز در «مجمع البیان» وجود دارد که به صورت کلی و بدون توجه به
ماقبل معنا شده‌اند. هرچه از جلد‌های اول فاصله می‌گیریم تعداد این موارد بیش‌تر است.
نمونه‌هایی از آیاتی که با صفات الهی نیز ختم نشده‌اند می‌توان ارائه داد:

﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ (البقرة/ ۲۷۰)
در تفسیر آیه به واژه «ظالمین» در راستای محتوای آیه و مواردی که باعث ظلم و
ستم درباره نفقه و نذر می‌شود توجه شده است: «وَمَا لِلظَّالِمِينَ» ای لیس للواضعین
النفقة والنذر فی غیر موضعها مثل ان ینفق رياءً او ضراراً او شقاقاً او من مال معیوب او
مأخوذ من غیر حلّة او بنذر فی معصية او یتربک الوفاء به مع القدرة علیه «مِنْ أَنْصَارٍ» من
اعوان یدفعون عذاب الله عنهم» (همان، ج ۲: ۶۶۰).

﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفاً﴾ (النساء/ ۲۸)

اگرچه انسان در امور جسمی و غیر آن نیز ضعیف آفریده شده اما این جمله در پایان
آیه در راستای محتوای و سیاق آیه مورد توجه واقع شده است: «فی امر النساء وقلة
الصبر عنهنّ وقيل خلق الانسان ضعيفا يستميله هواه وشهوته ويستشيطه خوفه وحزنه»
(همان، ۳: ۵۸).

۳. گونه‌های پیوند معنایی فاصله با آیه

گفته شد که فاصله با محتوای آیه در ارتباط است و نمی‌توان گسست معنایی آن را
با ماقبل پذیرفت. / امین الاسلام طبرسی همان‌گونه که دیدیم به این ارتباط و پیوند در
آیات بسیاری توجه کرده است. اما پرسش مهم این است که آیا این ارتباط و پیوند
همیشه به یک صورت بوده یا شامل گونه‌ها و انواع مختلفی است؟ در این قسمت به

بازشناسی گونه‌های پیوند و ارتباط معنوی فاصله و محتوای آیه در «مجمع البیان» می‌پردازیم:

(۱) تأکید محتوای آیه

فاصله در برخی از آیات، تأکید محتوای آیه است. این گونه از ارتباط معنایی را در نمونه‌های ذیل می‌توان مشاهده کرد:

فائده جمله «وَارْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ» در پایان آیه «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ» (البقرة/۴۳) با توجه به اینکه رکوع یکی از افعال نماز است تأکید یا افزایش در تأکید است (همان، ج ۱: ۲۱۳-۲۱۴).

جمع تولی و اعراض که معنای یکسانی دارند در فرجام آیه «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ» (البقرة/۸۳) به دلیل تأکید است (همان، ج ۱: ۲۹۹).

جمله «وإليه ترجعون» به عنوان تأکید در جزاء در آیه «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (البقرة/۲۴۵) آمده است (همان، ج ۲: ۶۰۸). از همین نوع می‌توان به آیات: ۱۴۳ سوره آل عمران (همان، ج ۲: ۸۴۷)، ۳۰ سوره حجر (همان، ج ۶: ۵۱۶)، ۷۹ سوره مریم (همان، ج ۶: ۸۱۷)، ۴۶ سوره حج (همان، ج ۷: ۱۴۲)، ۱۵ سوره احزاب (همان، ج ۸: ۵۴۵)، ۲۴ سوره احزاب (همان، ج ۸: ۵۵۰) و ۲۷ سوره فاطر (همان، ج ۸: ۶۳۵) اشاره کرد.

(۲) تعلیل محتوای آیه

تعلیل به این معنا که پایان آیه علتی برای مضمون آیه باشد را می‌توان از شایع‌ترین گونه‌های پیوند معنایی برشمرد. اما در «مجمع البیان» به ندرت فاصله‌ای می‌توان یافت که در تعلیل مضمون آیه خود تفسیر شده باشد. به دو نمونه از این آیات بنگرید:

عبارت «وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ» در آیه «ذَلِكَ أَنْ لَّمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقَرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ» (الانعام/۱۳۱) در مقام تعلیل است؛ یعنی تا مردم سرزمینی در غفلت باشند و خدا برای

آن‌ها پیامبری مبعوث نکند آنان را هلاک نمی‌نماید؛ چراکه این هلاکت ظلم است (همان، ج ۴: ۵۶۷). پایان آیه ﴿وَآخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخِرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (التوبة/۱۰۲) تعلیلی است برای قبول توبه گنهکاران؛ یعنی چون او غفور و رحیم است توبه آنان را می‌پذیرد (همان، ج ۵: ۱۰۰).

۳) اذلال و اهانت

جمله ﴿قَالَ أَحْسُوا فِيهَا وَلَا تَكَلِّمُون﴾ (المؤمنون / ۱۰۸) در مقام اذلال و اهانت کسانی است که آیه خطاب به آن‌هاست (همان، ج ۷: ۱۹۰).

۴) استهزاء و تحقیر

استهزاء و تحقیر کسانی که آیه درباره آنان نازل شده، گونه‌ای دیگر از ارتباط فرجام آیه با ماقبل است. این موضوع را در آیات ذیل می‌توان مشاهده کرد: طبرسی جمله ﴿لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ﴾ در آیه ﴿لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ﴾ (الانبیاء/۱۳) را به عنوان استهزاء مخاطبین آیه برمی‌شمارد و می‌نویسد: «لعلکم تسئلون شیئاً من دنیاکم فإنکم اصل ثروة ونعمة يقولون ذلك استهزاء بهم ... وقيل لعلکم تسئلون أن يسألکم رسولکم أن تؤمنوا کما سئل قبل نزول العذاب بکم وهذا استهزاء بهم أيضا ای لا سبیل إلى هذا ...» (همان، ج ۷: ۶۷). همچنین فرجام آیه ﴿وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلُوبِ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقُّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾ (یونس/۵۳) را برای استهزاء دانسته است (همان، ج ۵: ۱۷۵).

۵) ترغیب و ترهیب

فاصله برخی آیات خوف و رجا را در دل زنده می‌کند. از این گونه می‌توان به پایان آیات ذیل اشاره کرده که در «مجمع البیان» با عنوان ترغیب و ترهیب مورد توجه قرار گرفته‌اند:

﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَشِيئًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُوهَا ضِغْفِيرًا فَإِنْ لَهُ يَصْبُهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (البقرة/۲۶۵)

﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ (النساء/۷۹)

آیات ۱۵۳، ۱۵۶ و ۱۶۳ سوره آل عمران (همان، ج ۲: ۸۶۷، ۸۷۵)، ۲۷ سوره ابراهیم (همان، ج ۶: ۴۸۳) و ۱۷ سوره مؤمنون (همان، ج ۷: ۱۶۲) نیز از نوع ترغیب و ترهیب است.

۶) تسلیت و دلگرمی

برخی از فواصل برای پیامبر و مؤمنین نقش تسلیت و دلگرمی دارند. خداوند فاصله را در فرجام آیه ذکر کرده تا به وسیله آن پیامبر و مؤمنین به مفاد آیه و همچنین به ایمان و تلاش خود دلگرمی بیش‌تری داشته باشند. این گونه را در آیات ذیل مشاهده می‌کنیم:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ الْإِلْحَاقَ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ الْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ (النساء/۱۷۱)

﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ (النحل/۸۲)

فرجام آیات ۴۹ و ۶۸ سوره مائده (همان، ج ۳: ۳۱۶، ۳۴۵) و ۸۱ سوره هود (همان، ج ۵: ۲۸۱) نیز همین معنا را می‌رسانند.

۷) تشریف و تعظیم

ذکر برخی از گروه‌ها و افراد یا برخی از اعمال در پایان آیه (مانند مؤمنین، محسنین، متقین و نماز) به دلیل تشریف و بزرگداشت آن‌هاست:

﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدَرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ﴾ (البقرة/۲۳۶)

طبرسی در این باره می‌نویسد: «إنما خص المحسنين بذلك تشريفا لهم لأنه لا يجب على غيرهم ودل ذلك على وجوب الاحسان على جميعهم» (همان، ج ۲: ۵۹۶).

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ (الانعام/۹۲)

در تفسیر این آیه نیز آمده است: «وفیها دلالة على عظم قدر الصلاة ومنزلتها لأنه سبحانه خصها بالذكر من بين الفرائض ونبهه على ان من كان مصدقاً بالضيافة لا يخل بها ولا يتركها» (همان، ج ۴: ۵۱۷).

در آیات ۲۳۰ سوره بقره (همان، ج ۲: ۵۸) و ۱۳۸ سوره آل عمران (همان، ج ۲: ۸۴۲) نیز تشریف و بزرگداشت عالمین و متقین قابل مشاهده است.

۸) تشویق، ترغیب، تحریک و بشارت

برای عمل به قوانین در کنار ضمانت اجرایی باید تشویق‌ها و محرک‌هایی در نظر گرفته شود. در پایان بسیاری از آیات نیز پس از ذکر مطالب اصلی، عبارات یا اسماء و صفاتی آمده است که جنبه تشویق و تحریک داشته و به انجام عملی که در آیه آمده ترغیب و تهییج می‌کند. مثلاً در فرجام برخی از آیات عناوینی آمده است که خردورزی انسان را ذکر می‌کند مانند «أُولُوا الْأَلْبَابِ» (البقرة/۲۶۹)، «لِأُولِي الْأَبْصَارِ» (آل عمران/۱۳)، «لِأُولِي النَّهْيِ» (طه/۵۴) و «قَسَمَ لِّذِي حِجْرٍ» (الفجر/۵). این عبارات و عناوین همه گویای قدرت تفکر افراد انسانی است. اما نوع بیان آن‌ها در فرجام آیات جنبه ترغیب و تشویق دارد و انسان را برای به کارگیری عقل و فکر خویش تحریک و ترغیب می‌کند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۲ش، ج ۳۱: ۱۱۱). به نمونه‌هایی از این نوع در «مجمع البیان» بنگرید:

عبارت «فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا» در پایان آیه ﴿إِنْ تَبَدُّواْ خَيْرًا أَوْ تَخَوُّهُ أَوْ تَعْفُواْ عَنْ سُوءِ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا﴾ (النساء/۱۴۹) تشویقی است از سوی خدای سبحان به بندگان که از کسانی که به آن‌ها بدی کرده‌اند علی‌رغم قدرت بر انتقام از آن‌ها درگذرند. همان‌گونه که خدای تعالی با وجود کمال قدرت از گناه بندگان درمی‌گذرد (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۲۰۲).

جمله پایانی آیه ﴿أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (المائدة/۷۴) نیز به توبه و استغفار تشویق کرده است (همان، ج ۳: ۳۵۳).

همچنین از فرجام آیات ۱۰۳ سوره بقره (همان، ج ۱: ۳۴۲)، ۱۲۰ سوره توبه (همان، ج ۵: ۱۲۴)، ۳ سوره یونس (همان، ج ۵: ۱۳۶) و ۲۸ سوره رعد (همان، ج ۶: ۴۴۷) تشویق و ترغیب بندگان برداشت می‌شود.

۹) تنبیه و توبیخ

فرجام بعضی از آیات انسان را به نعمت‌های الهی و شکرگزاری در مقابل آن‌ها آگاهی داده و در صورت عدم شکرگزاری توبیخ می‌کند. طبرسی تکرار «الشَّاكِرِينَ» در آیات ۱۴۴ و ۱۴۵ سوره آل عمران و «وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» در آیات ۹ و ۱۱ سوره قصص را برای تنبیه و آگاهی می‌داند.

۱۰) تهدید و تحذیر

در عرف قانونگذاری، هرگاه قانونی وضع شود ضمانت اجرایی آن نیز بیان می‌گردد. ضمانت اجرایی نوعی تهدید است که اگر این قانون مورد عمل قرار نگیرد یا بد عمل شود این عقوبت را در پیش خواهد داشت. خداوند در پایان برخی از آیات نسبت به عمل نکردن به محتوای آیه تهدید می‌کند، از این رو پیوند معنایی فاصله با محتوا در این آیات از نوع تهدید و تحذیر است.

بعضی فواصل در «مجمع البیان» از نوع تهدید معرفی شده است. شدت این تهدید در بعضی بیش‌تر و در برخی دیگر کم‌تر است: طبرسی جمله «وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» در آیات ۱۴۰ و ۱۴۹ سوره بقره را از نوع تهدید شدید معرفی (همان، ج ۱: ۴۱۱) و آن را مانند سخن پادشاهی می‌داند که به بردگانش می‌گوید آنچه انجام می‌دهید بر من مخفی نیست، همچنین مانند جمله «ان ربك لبالمرصاد» است (همان، ج ۱: ۴۲۶).

جمله «وَاللَّهُ يُعَلِّمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ» (المائدة/۹۹) نیز غایت زجر و تهدید را می‌رساند (همان، ج ۳: ۳۸۴). فاصله آیات ۱۰۵ سوره مائده (همان، ج ۳: ۳۹۲)، ۱۳۷ سوره انعام (همان، ج ۴: ۵۷۳)، ۳۹ سوره توبه (همان، ج ۵: ۴۷)، ۲۱ سوره یونس (همان، ج ۵: ۱۵۳)، ۹۶ سوره اسراء (همان، ج ۶: ۶۸۲)، ۳۷ سوره هود (همان، ج ۵: ۲۴۱) و ۶۸ سوره عنکبوت (همان، ج ۸: ۴۵۸) شدت و نهایت تهدید و وعید را بیان می‌دارد.

در برخی آیات نیز شدت تهدید کم‌تر است: اختصاص علم به ظالمان با اینکه خدا به همه داناست در آیه ﴿وَلَنْ يَمَمُوهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾ (البقرة/۹۵) برای زجر و تهدید آن‌هاست (همان، ج ۱: ۳۲۰). معنای جمله پایانی آیه ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاءُ الْمُبِينُ﴾ (المائدة/۹۲) تهدید و وعید است؛ گویا می‌گوید آگاه باشید که رویگردانی شما از آنچه رسول ابلاغ می‌کند شما را مستحق عذاب می‌کند (همان، ج ۳: ۳۷۱).

آیات ۲۴۶ سوره بقره (همان، ج ۲: ۶۱۱)، ۹۹ سوره آل عمران (همان، ج ۲: ۸۰۱)، ۶۷ و ۹۱ سوره انعام (همان، ج ۴: ۴۸۸؛ ۵۱۵)، ۸۷، ۱۲۳ و ۱۴۵ سوره اعراف (همان، ج ۴: ۶۸۹؛ ۷۱۵؛ ۷۳۴)، ۲۳ و ۳۶ سوره یونس (همان، ج ۵: ۱۵۴؛ ۱۶۶)، ۴۲ سوره رعد (همان، ج ۶: ۴۶۲)، ۹۹ سوره حجر (همان، ج ۶: ۵۳۴)، ۵۵ سوره نحل (همان، ج ۶: ۵۶۴)، ۵۴ سوره مؤمنون (همان، ج ۷: ۱۷۰)، سوره احزاب (همان، ج ۸: ۵۷۷) و ۵۶ سوره غافر (همان، ج ۸: ۸۲۲) از همین قسم است. فواصلی که در «مجمع البیان» از نوع تحذیر و تخویف نیز معرفی شده، باید از همین بخش به حساب آورد؛ مانند «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» در آیه ۷۶ سوره بقره که طبرسی آن را تحذیر برای یهودیان می‌داند (همان، ج ۱: ۲۸۷). همچنین پایان آیه ﴿ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ﴾ (الأنبياء/۹) که تخویف کفار مکه است (همان، ج ۷: ۶۵). برخی از فواصل نیز دو وجه وعده و وعید، تسلیت و وعید، تحذیر و استدعا را با هم دارا هستند که می‌توان به آیات ۱۱۰ سوره بقره (همان، ج ۱: ۳۵۵)، ۱۷۱ سوره نساء (همان، ج ۲: ۲۲۴)، ۷۶ سوره مائده (همان، ج ۳: ۳۵۵)، ۶۰ سوره یوسف (همان، ج ۵: ۳۷۵) اشاره کرد.

(۱۱) عتاب و مذمت

سرانجام برخی آیات سرزنش و توبیخ کسانی است که آیه درباره آن‌ها سخن گفته است. فواصل آیات ذیل در «مجمع البیان» در توبیخ و تبکیت کافران و مشرکان معرفی شده است:

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّا سُرَّكَاؤُكُمْ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُزْعَمُونَ﴾

(الانعام/۲۲)

﴿وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ﴾ (یس/۶۲)

جمله پایانی آیات ذیل نیز برای ذم و استبطاء است:

﴿صُمُّكُمْ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يُرْجِعُونَ﴾ (البقرة/۱۸)

﴿تَتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ مِنَ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾ (الاعراف/۳)

آیات ۴۴ و ۵۰ سوره بقره (همان، ج ۱: ۲۱۵؛ ۲۲۸)، ۱۹۷ سوره اعراف (همان، ج ۴: ۷۸۴) و ۸۱ سوره غافر (همان، ج ۸: ۸۳۱) نیز از همین نوع است.

۱۲) عجز و تحدی

برخی از فواصل در ارتباط با مضمون و محتوای آیه نوعی عجز و تحدی را می‌رساند. این مطلب را در بسیاری از آیاتی که با «إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» پایان یافته‌اند می‌توان یافت: جملات پایانی آیات:

﴿وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ

لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ

مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (یونس/۳۷-۳۸)

﴿وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسُهُمْ يَنْصُرُونَ﴾ (الاعراف/۱۹۲)

نیز غایت در عجز و تحدی به حساب می‌آید.

۴. چالش‌های ارتباطی فواصل و توجیه‌های طبری

در نمونه‌هایی که آورده شد روشن گردید که فاصله با محتوا و مضمون آیه تناسب و پیوند معنایی دارد. در بیش‌تر آیات با اندک درنگ این تناسب و ارتباط آشکار می‌شود به گونه‌ای که حذف یا جابه‌جایی فاصله کاملاً مشخص می‌گردد. اما گاهی با فواصلی روبه‌رو می‌شویم که به حسب ظاهر و در نگاه آغازین هیچ‌گونه تناسب و ارتباطی با محتوای آیه ندارند و فهم ارتباط آن‌ها دیریاب و با دشواری همراه است. برخی از محققان این گونه فواصل را تحت عنوان «مشکلات فواصل» مورد بررسی قرار داده‌اند (سیوطی، بی تا، ج ۲: ۲۸۴؛ ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۳۸؛ مکی، ۱۴۲۷ق، ج ۳: ۵۲۰؛ لاشین، ۱۴۰۲ق: ۱۵۵؛ ابوحسان،

۱۴۳۱ق: ۴۹۱-۵۳۴). اکنون به بررسی چالش‌های ارتباطی فواصل برخی از آیات و توجیه‌های طبرسی درباره آن‌ها می‌پردازیم:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (البقرة/۲۹)

در نگاه آغازین این آیه باید با قدرت الهی و نه با علم، ختم شود. چه ارتباطی میان این فاصله با محتوای آن وجود دارد؟ طبرسی پاسخ داده است: «قدیر نگفته است زیرا هنگامی که خود را با قدرت و استیلاء وصف نمود آن را به علم وصل کرد. وقوع فعل به صورت متقن و مستحکم با قدرت و علم صحت می‌یابد. همچنین خواسته است بیان نماید به حال همه چیز داناست. در این آیه بر اینکه سازنده آسمان و زمین قادر و عالم است دلالت شده است» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۱۷۳).

﴿رَبَّنَا وَإِعْتَابُ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يُتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (البقرة/۱۲۹)

با توجه به اینکه دو واژه «عزت و حکمت» از نظر وضع لغوی بر شدت و قدرت همراه با حکمت دلالت می‌کند، به ذهن می‌طرآورد که محتوای آیه با دو صفت «رئوف» و «رحیم» یا «علیم» و «حکیم» بیش از «عزیز» و «حکیم» هماهنگی و تناسب داشته باشد.

طبرسی در این باره می‌نویسد: «این دو صفت را به جهت اتصال به دعا در اینجا ذکر کرد. گویا حضرت /براهیم عرض کرد: ما در دعایمان به تو پناه می‌آوریم زیرا تو بر اجابت ما قادر هستی. به آنچه در نهان ماست، و به آنچه برای ما شایسته‌تر است و از آنچه کنه دانش و معرفت ما و کوتاهی بصیرت ما به آن نمی‌رسد آگاه هستی» (همان، ج ۱: ۳۹۵).

﴿وَلَنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (البقرة/۲۲۷)

با توجه به اینکه در متن آیه فقط عزم بر طلاق ذکر شد و عزم نیز فقط دانستنی است و نه شنیدنی، چرا از صفت «سمیع» استفاده شده است؟ فایده ذکر سمیع در این آیه چیست؟ از دیدگاه طبرسی منظور از عزم بر طلاق، همان وقوع آن است. زیرا وقوع طلاق همراه با صیغه آن است که شنیده می‌شود (همان، ج ۳: ۵۷۱). مشاهده می‌شود که

با این دیدگاه هیچ‌گونه اشکالی در ارتباط فاصله و محتوای آیه پیش نخواهد آمد. زیرا ایشان با توجه به ارتباط فاصله و محتوا، به تفسیر آیه پرداخت.

﴿إِن تَعَذَّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِن تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (المائدة/۱۱۸)

این آیه که حکایت قسمتی از گفت‌وگوی حضرت عیسی با خداوند است از مهم‌ترین آیات در بخش «مشکلات فواصل» است. در نگاه آغازین به نظر می‌رسد که به جای «فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» باید (فانک انت الغفور الرحیم) می‌آمد. زیرا غفور و رحیم هماهنگی بیش‌تری با جمله «وَإِن تَغْفِرْ لَهُمْ» دارد. البته اگر این آیه را در کنار آیه‌ای که از زبان حضرت ابراهیم نیز ذکر شده قرار دهیم که فرمود: ﴿رَبِّ إِنَّهُنَّ كَثِيرَاتٌ مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ (ابراهیم/۳۶) این گمان قوی‌تر خواهد شد.

مفسر «مجمع البيان» با ظرافت به تفسیر فرجام آیه و ارتباط آن با ماقبل پرداخته و می‌نویسد: «حضرت مسیح در تسلیم امر به مالک خود و تفویض آن به مدبرش سخن گفته و از اینکه چیزی از امور قومش با او باشد تبری جسته است. آن گونه که یکی از ما آن گاه که بخواهد از تدبیر امری از امور تبری جوید و آن را به دیگری واگذار کند، می‌گوید: برای من در این کار هیچ سهمی نیست. اگر خواستی آن را انجام بده و اگر می‌خواهی آن را رها کن. با علم و یقین به اینکه جز یکی از دو کار از او سر نمی‌زند.

گفته شده است که معنا آن است که اگر آنان را عذاب کنی به دلیل باقی ماندن بر کفرشان است و اگر از آنان درگذری به خاطر توبه‌ای است که کرده‌اند. گویا توبه را مشروط کرده است گرچه در ظاهر کلام شرطی وجود ندارد. برای آنکه سخن به سمت سؤال و درخواست نرود نگفت قطعاً تو آمرزنده مهربان هستی. اگر چنین گفته بود، گمان می‌رفت که برای آنان طلب مغفرت کرده است. به همین دلیل عبارت «العزیز الحکیم» در معنا بلیغ‌تر است. مغفرت می‌تواند حکمت باشد یا نباشد، در حالی که توصیف به عزیز و حکیم شامل معنای غفران و رحمت در صورت صواب بودند می‌شود. علاوه بر آنکه آن دو (عزیز و حکیم) معنای بیش‌تری را نیز در بر می‌گیرند؛ زیرا عزیز آن بلندمرتبه توانایی است که ستم نمی‌کند و ... این معنا از غفور و رحیم به دست نمی‌آید. و حکیم کسی است که اشیاء را در جایگاه‌شان قرار می‌دهد و جز نیکویی و زیبایی، کاری انجام نمی‌دهد. بدین ترتیب صفات مغفرت و رحمت در صورتی که بر مقتضای حکمت باشند

در آن وارد هستند، در حالی که معنای این واژه افزون از آن دو است. توصیف او به حکمت در سایر افعالش نیز اقتضاء دارد» (همان، ج ۳: ۴۱۵-۴۱۶).

با این تفسیر روشن می‌شود که بهترین صفاتی که در پایان آیه می‌تواند قرار بگیرد همین دو صفت عزیز و حکیم است و هر صفتی غیر از آن دو نوعی نقص به شمار می‌آید.

نتیجه بحث

از آنچه درباره فواصل در تفسیر ارجمند «مجمع البیان» آمد می‌توان موارد زیر را نتیجه گرفت:

فاصله نزد *امین الاسلام طبرسی* از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و در آیات بسیاری از جهات توافق و هماهنگی، تغییرات و فراهنجارها، روابط و خصوصاً پیوند معنایی به آن پرداخته است. *طبرسی* در تفسیر آیات از فاصله استفاده کرده است. مهم‌ترین کارکردهای فاصله در «مجمع البیان» عبارت‌اند از تقویت و تأیید احتمالات و دیدگاه‌های تفسیری؛ دفع توهّم، شبهه و ابهام از آیه و برداشت حکم از آیه با استفاده از فاصله (منشأ حکم). روابط گوناگون فواصل از جمله فواصل آیات یک سوره، فواصل متحد، فاصله با آیه بعد و پیوند معنایی فاصله با محتوای آیه مورد توجه *طبرسی* در «مجمع البیان» بوده است. در تفسیر بسیاری از آیات با ذکر عبارات و بدون آن ارتباط فاصله با ماقبل مورد بررسی قرار گرفته است. در بررسی رابطه فاصله و محتوای آیه، دوازده گونه پیوند معنایی را می‌توان در «مجمع البیان» بازشناسی کرد که عبارت‌اند از تأکید محتوای آیه، تعلیل محتوای آیه، اذلال و اهانت، استهزاء و تحقیر، ترغیب و ترهیب، تسلیت و دلگرمی، تشریف و تعظیم، تشویق، ترغیب، تحریک و بشارت، تنبیه و توبیخ، تهدید و تحذیر، عتاب و مذمت، عجز و تحدی. *طبرسی* در برطرف ساختن چالش ارتباط و پیوند برخی فواصل با محتوای آیه، توضیحات و توجیهات خوبی بیان کرده و به زیبایی ارتباط و پیوند این فواصل را روشن و دلایل وجود فاصله را بیان کرده است. امیدواریم این پژوهش فتح بایی در بررسی و کاوش درباره فاصله قرآنی در تفاسیر دیگر شیعه و سنی گردد و نتیجه آن در کتابی با عنوان فاصله در تفاسیر منتشر شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

کتاب عربی

- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا. ١٩٧٩/١٣٩٩، **معجم مقاییس اللغة**، بیروت: دار الفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ١٤١٤ق، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. بی تا، **مقدمه تاریخ**، بی جا.
- ابوحسان، جمال محمود. ٢٠١٠/١٤٣١، **الدلالات المعنویة لفواصل الآيات القرآنیة**، عمان: دار الفتح.
- ابوزهره، محمد. بی تا، **المعجزة الكبرى القرآن**، بی جا: دار الفکر العربی.
- باقلانی، محمد بن طیب. ١٩٩٧م، **اعجاز القرآن**، قاهره: دار المعارف.
- حبیشی، فهد بن عبدالله. بی تا، **ری الظمان فی بیان القرآن**، بی جا.
- حسناوی، محمد. ١٩٨٦/١٤٠٦م، **الفاصله فی القرآن**، چ دوم، بیروت: المکتب الاسلامی؛ عمان: دار عمّار.
- خضر، سید. ٢٠٠٩/١٤٣٠م، **الفواصل القرآنیة: دراسة البلاغیة**، چ دوم، بی جا: مکتبة الآداب.
- راغب اصفهانی. بی تا، **معجم مفردات الفاظ القرآن**، بی جا: دار الکتب العربی.
- رمانی، علی بن عیسی، خطابی، و عبدالقاهر جرجانی. ١٩٦٨/١٣٨٧م، **النکت فی اعجاز القرآن**، ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، چ دوم، قاهره: دار المعارف.
- زرکشی، محمد بن عبدالله. ١٩٩٤/١٤١٥م، **البرهان فی علوم القرآن**، چ دوم، بیروت: دار المعرفة.
- سیوطی، جلال الدین. بی تا، **الاتقان فی علوم القرآن**، بیروت: دار الجیل.
- سیوطی، جلال الدین. ١٩٨٨/١٤٠٨م، **معتک الاقران فی اعجاز القرآن**، چ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- طبرسی، فضل بن حسن. ١٩٨٨/١٤٠٨م، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، چ دوم، بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن. ١٤٠٩ق، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بی جا: مکتب الاعلام الاسلامی.
- عباس، فضل حسن. ١٩٩١م، **اعجاز القرآن الکریم**، عمان: بی نا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. ١٤١٠ق، **کتاب العین**، قم: انتشارات هجرت.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. ٢٠٠٥/١٤٢٦م، **القاموس المحیط**، چ هشتم، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- کواز، محمد کریم. ١٤٢٦ق، **الاسلوب فی الاعجاز البلاغی للقرآن الکریم**، چ اول، بنغازی: دار الکتب الوطنیة.

لاشین، عبدالفتاح. ۱۹۸۲/۱۴۰۲م، من اسرار التعبير القرآن، الفاصلة القرآنية، رياض: دار المريخ للنشر.

مکی، ابن عقيلة. ۲۰۰۶/۱۴۲۷م، الزيادة والاحسان في علوم القرآن، چ اول، بی جا: مرکز البحوث والدراسات جامعة الشارقة.

موسی، محمد بن حسن. ۱۹۹۷/۱۴۱۷م، اعجاز القرآن الكريم بين الامام السيوطي والعلماء، دراسة نقدية ومقارنة، چ اول، جده: دار الاندلس الخضراء.

ياسوف، احمد. ۲۰۰۶/۱۴۲۷م، دراسات فنية في القرآن الكريم، چ اول، دمشق: دار المكتبي.

کتاب فارسی

جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۱ش، تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم، قم: نشر اسراء.

خرقانی، حسن. ۱۳۹۲ش، زیباشناسی قرآن از نگاه بدیع، چ اول، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

ياسوف، احمد. ۱۳۸۸ش، زیباشناسی واژگان قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، چ اول، تهران: سخن.

Bibliography

The Holy Quran.

Abbas, Fazl Hassan. 1991. Ejazo Al-Qurane Al-Karim (The miracle of the Holy Quran). Amman.

Abuhasan, Jamal Mahmoud. 1431 (2010). Al-delalato Al-Manavieh le Favasele Al-Ayato Al-Quranieh. first. Amman: Dar Al Fath.

Abu zohre, Muhammad. n.d .Al-Mojezato Al-Kobra Al-quran (The Great Miracle of the Qur'an). Daro Al-Fekre Al-Arabi.

Azhari, Mohammed bin Ahmed. 2001. Tahzibo Al-Logha . Beirut: Daro Ehyae Al-Toraso Al-Arabi.

Baqalani, Mohammed bin Taib. 1997. Ejazo Al-Quran (The miracle of the Qur'an). Cairo. Dar Al Ma'arif.

Farahidi, Khalil ibn Ahmad. 1410. Ketabo Al-Ayn. Qom: Hijrat Publishing.

Firozabadi, Muhammad ibn Yaqoub. 1426 (2005). Al-Qaamuso Al-Mohit. Eighth. Beirut: Moasesato Al-Resaleh.

Hasnavi, Mohamed. 1406 (1986)). Al-Fasele fi Al-Quran. Second. Beirut: Al-Maktabo Al-Eslami; Amman: Dar Ammar.

Hobibshi, Fahd bin Abdullah. n d. Re Al-Zamaan fi Bayane Al-Quran.

Ibn Fares, Ahmed bin Fares bin Zakaria. 1399 (1979). Mojame Maghaaeiso Al-Loghjat (Dictionary of Language Standards). [Beirut?]: Dar al-Fikr.

- Ibn Khaldun, Abdul Rahman bin Mohammed. N d. Al-Muqaddimah.
- Ibn Manzoor, Mohammed bin Makram. 1414. Lesano Al Arab. Beirut: Dar Sader.
- Ibn Saidah, 'Ali ibn Isma'il. 1421 (2000). Al-Mohkam v Al-Mohito Al-azam. first. Beirut: Dar Al-Kotobo Al-Almiyeh.
- Javadi Amoli, Abdolla. 1391. Tasnim, Commentary Of The Noble Qur'an. 11: Isra Publication Center.
- Kawwaz, Muhammad Karim. 1426. Al-Oslubo fi Ejaze Al-Balghi le Al-Qurane Al-Karim. first. Benghazi: Daro Al-Kotobe Al-Vatanieh.
- Kharqani, Hassan. 1392. Zybashnasi Quran Az nagah Badia. first. mashhad: Uloom Rezavi University.
- Khazer, Sayyid. 1430 (2009). Al-Favaselo Al-Quranieh – Derasato Al-Balaghieh .Second. Maktabato Al-Adab.
- Lashin, Abdelfattah. 1402 (1982)). Men Asarare Al-Tabire Al-Quran, Al-Fasileto Al-Quranieh. Riyadh: Dar Al-Marikh Publishing.
- Makki, ibn Aqila. 1427 (2006). Al-Ziyadto v Al-Ehsan fi Ulome Al-Quran. University of Sharjah Research and Studies Center.
- Moussa, Mohamed ibn Hassan (1997). The miracle of the Qur'an between Imam al-Siyuti and scholars, a critical and comparative study. first. Jeddah: House of Andalus al-Khadra.
- Ragheb Isfahani. N d. Mojamo Mofardate Alfaze Al-Quran. Daro al_Katebe Al-Arabi.
- Rommani, Ali ibn Issa, Khatabi, and Abdulqahir Jorjani. 1387 (1968).Al-Nokat fi Ejaze Al-Quran. Second. Cairo. Dar Al Ma'arif.
- Siyouti, Jalal al-Din.n d. Al-Etqan fi Ulome Al-Quran. Beirut: Daro Al-Jayl.
- Siyouti, Jalal al-Din.n d.1408 (1988). Motareko Al-Aghran fi Ulome Al-Quran. first. Beirut: Dare Al-Kotobe Al-Elmiyeh.
- Tabarsi, Fadl ibn Hassan. 1408 (1988).Majmao Al-Bayan fi Tafsire Al-Qur'an. Second. Beirut: Darl al-Marefah.
- Tabatabayi, Sayed Muhammad Hassin. 1370. Tafsiro Al-Mizan. Translated by Sayed Mohammed Baqir Musawi Hamdani. Fourth. Tehran: Beniad Alama Tabatabai.
- Toosi, Mohamed Ben Hassan. 1409. Al-Tebyan fi Tafsire Al-Qur'an. Maktabo Al-Alame Al-Eslami.
- Yasuf, Ahmed. 1427 (2006). Derasato Al-Faniyeh fi Al-Quran. first. Damascus: Daro Al-Maktabi.
- Yasuf, Ahmed. 1388. . Translated by Seyed Hosein Seyedi. first. Tehran: Sokhan.
- Zarqshi, Muhammad bin Abdullah. 1415 (1994). Al-Borhan fi Ulome Al-Quran. Second. Beirut: Daro Al-Marefeh.
- Zubaidi, Muhammad ibn Muhammad ibn Abd al-Razzaq al-Husayni. N d. Taajo Al-Arus men Javahere Al-Qaamus . Dar al-Hadaya.